

رسالة الروح من الروح





ره‌نما

توانایی بخشیدن به دانشجویان برای طراحی در یک بافت روستایی: دانشجوی موظف است تا عوامل مختلف طبیعی و انسانی که در شکل‌گیری معماری روستایی موثرند را در طرح خود رعایت نموده و به طرح فضای قابل سکونت و زندگی روستاییان دست یابد.

هدف؟
ضرورت طرح
مسئله؟
مدرس: مهندس صوفی

اهمیت و جایگاه روستاییان در مناطق روستایی در تولیدات محصولات کشور، حفظ و نگهداری از پهنه سرزمین و دهها ضرورت دیگر جهت حفظ و تداوم روستا نیازمند است.

دانشجویان باید اصول و معیارهای ناظر بر طراحی معماری در روستای خود را با توجه به نتایج به دست آمده در تک نگاری روستا ۱ ارائه دهند.

الگوی تدریس:

- ❑ آشنایی دانشجویان با روش های پژوهشی و مطالعات میدانی
- ❑ نحوه تهیه تک نگاری از یک مجموعه زیستی کوچک و کامل با تمام ابعاد
- ❑ آشنایی و ایجاد حساسیت در خصوص معماری روستایی، تجربه ای از شناخت روستایی، اقتصاد روستایی، روش های تولید و معیشت روستاییان، فرهنگ روستایی و پتانسیل های یک روستا در جریان تولید
- ❑ آموزش طراحی معماری روستایی
- ❑ سازگاری و بهره گیری از معماری روستایی به روشی که یکپارچگی و انسجام ساختار، ویژگی و فرم، رعایت و اجرای استانداردهای قابل قبول زندگی معاصر نیز تامین شود.
- ❑ در کلیه این فرآیند چگونگی کار تیمی و همکاری آموزش داده می شود.

اصول و معیار های طراحی باید در
موضوعات زیر باشد:

۱. چاره اندیشی های بومی و تاثیر آن بر طراحی بافت و بنا برای بهره گیری از اقلیم
۲. آرایش فضایی در بناهای مسکونی روستا
۳. متوسط مساحت عرصه و عیان غالب بناها و ریز فضاها و تناسب با کاربری
۴. نظام ساختاری بومی و سنتی غالب
۵. شکل و فرم غالب بناهای مسکونی و ریز فضاها
۶. فناوری های بومی و سنتی روستا

آموزش مبانی طراحی مسکن روستایی به صورت:

طراحی مسکن روستایی برای دو گروه کشاورز و دامدار

طراحی با سازه بومی

آسیب شناسی سازه های بومی

مواد و مصالح سنتی و نکات اجرایی آنها

استحکام بخشی سازه های بومی

ارائه و انتقال تجارب مختلف

دانشجویان هر یک از بناهای
رولوه شده در روستای خود را
انتخاب و در عرصه مورد نظر
شروع به طراحی می کنند.

روستا و مسکن روستایے



در یکصد سال گذشته هرچند ارتباط شهر و روستا افزایش یافته، ولی این ارتباط بیشتر به تغییر در حوزه مصرف روستا مربوط بوده، تا حوزه تولید آن؛ اگر در ساختار تولید برخی روستاها تغییرات جزئی ایجاد می‌گردید، محدود به روستاهایی می‌شد که در جوار شهرهای بزرگ قرار داشتند. هرچند در حوزه تولید روستا، تحول عمده‌ای به وقوع نپیوست، ولی تحت تأثیر تحولات بخش شهری، مناسبات بازار به آن وارد گردید. از آن جمله کار مزدی شدند. بخشی از تولیدات غیر کشاورزی نظیر پوشاک، سوخت، ابزار که قبلاً در روستا تولید می‌شدند رفته رفته تولیدشان منسوخ گردید. ولی با ادامه کم و بیش «نامنظم» مبادله روستا با شهر و بقای ساختار سنتی تولید (عمدتاً خود مصرف)، انباشت سرمایه در حوزه تولید روستا به حدی نرسید که ارتباط آن با بازار (شهر) را «مداوم» و «منظم» گرداند. بدین ترتیب ارتباط شهر و روستا در همه زمینه‌ها ضعیف، محدود و به طور کلی «عقب مانده» و «توسعه نیافته» باقی ماند. ارتباط موردنظر به صورتی توسعه نیافت که موجب گسترش سیستم و شبکه شهرها و زیرساختهای مربوطه شان گردد.

در گذشته‌های دور، استقرار یک روستا و یا آبادی در فلات ایران، در مکان مشخصی، به علت «بسته» و «خودمصرف» بودن ساختار اقتصادی-اجتماعی‌اش، کمتر تحت تأثیر عوامل خارج از روستا یا فرضاً تأثیر شهر و یا بازار بوده است. روستاهای ایران غالباً استقرارشان تابع امکانات زیستی در هر منطقه: مانند وجود آب، زمین زراعی و مانند آن می‌باشد. اکثر قریب به اتفاق روستاهای ایران به علت «خودمصرفی» و بنابراین، وابستگی غالب آنها به امکانات طبیعی با روستاهای دیگر و همچنین با شهرها، ارتباط ضروری چندانی (ارتباطی که برای موجودیت یک جمع روستایی و ادامه بقا آنها تعیین کننده باشد، مانند وجود بازاری مطمئن برای عرضه محصولات و غیره) نداشته‌اند.

به علت ضعف ارتباط میان روستاها و همینطور میان شهر و روستا، استقرار فضائی روستاها در ایران را نمی‌توان به صورت یک ساختار فضائی که دارای اجزای به هم پیوسته‌ای باشند، مطرح نمود. شهر و روستای سرزمین ایران و یا مناطق مشابه آن ساختار فضائی دارند با اجزائی کم ارتباط و مجزا از یکدیگر. یعنی اگر بخش روستایی را به صورت یک «ساختار فضائی» موردنظر قرار دهیم که اجزای آن با یکدیگر دارای ارتباط عملکردی و پیوند مداوم و متقابل باشند، این ارتباط می‌بایست در هر محل و منطقه از طریق شهرهایی که روستاها تابع آنند شکل می‌گرفت. سابق بر این اصولاً چنین پیوند «عملکردی» وجود چندانی نداشته است. ارتباط شهر و روستا به نیازهای بسیار محدود زیستی روستائیان در رابطه با اخذ مالیات، سهم ارباب، توسط عمال حکومتی و یا مالکین، در روستاهای غیر خرده مالکی، محدود می‌گردید.

روستاها را می‌توان متناسب با تأثیرپذیری آنها از تغییر و تحولات، از نظر گرایش‌های استقرار فضایی و ارتباطشان با شبکه شهرها، در سطحی بسیار کلی، احتمالاً به سه گروه عمده تقسیم کرد.

گروه اول

استقرارهایی که دارای امکانات طبیعی و عرصه فضایی بیشتری بوده و کم و بیش نزدیک و یا در حاشیه شهرهای بزرگ قرار گرفته‌اند. در واقع، روستاها و یا مراکز کشاورزی که فعالیتشان نخست منحصر به کشاورزی و دامداری شده، سپس این فعالیت به تولید یکی دو محصول، محدود گردیده (نوعی تخصصی شدن تولید) مانند تولید کنندگان چای و برنج در استانهای شمالی، پنبه در گرگان، غلات در گرگان، آذربایجان و سایر استانهای تولیدکننده عمده غلات، پسته در رفسنجان، نیشکر در خوزستان و سایر محصولات باغی در اطراف برخی شهرهای بزرگ، بالاخره کشت و صنعتهای نسبتاً تخصصی دیگر، در جیرفت، دشت مغان و غیره. این مناطق، کم و بیش در شرایط جدید وضعی تثبیت شده داشته و به تدریج به نوعی «یگانگی» نسبی با بازار نایل می‌آیند. با توسعه بیشتر بخش کشاورزی و از میان رفتن موانع رشد در این بخش، یگانگی فوق تقویت شده، نهایتاً باعث توسعه یافتگی بیشتر این مناطق خواهد شد.

گروه دوم:

روستاهائی که کم و بیش به مراکز جمعیتی بزرگ نزدیک بوده، ولی از نظر امکانات طبیعی و عرصه زراعی آنچنان امکاناتی ندارند، که بتوانند در مقیاس وسیع تری تولید کنند. فعالیت کشاورزی آنها محدود بوده و امروزه بیشتر متکی به امکاناتی هستند که به طور مختلف از شهر دریافت می کنند. اکثراً دارای جمعیت بومی بسیار کمی بوده و بعضاً در فصل تابستان توسط ساکنان سابق و یا دیگرانی که ساکن شهرهای بزرگ مجاور بوده به ویژه شهر تهران مورد استفاده قرار می گیرند.

گروه سوم: روستاهائی هستند که نه دارای امکانات طبیعی کافی بوده که بتوانند حوزه و حجم تولید خود را توسعه دهند، نه در نزدیکی مراکز مهم شهری، به ویژه تهران قرار دارند. این روستاها که تعدادشان هم کم نیست، فعلاً دچار رکودند.

گروه سوم:

بدین ترتیب، متناسب با تفاوت کیفی میان گروه روستاهای پیش گفته، روابط متقابل آنها با شهرهایشان هم، متفاوت و ناموزون در حال تغییر و تحول بوده است. برخی کم و بیش با شهرهایشان در حال یگانگی اند. برخی دیگر به کلی منزوی و پس افتاده شده اند. گروهی دیگر نیز وضعی نامشخص و بینابینی را دارند.

در مقابل آنچه درباره تفاوت‌های ساختاری روند تحولات روستاها به طور خلاصه مطرح گردید، می‌باید این واقعیت را اضافه نمود که، تغییر و تحول شهرها نیز شبیه روندی است که در مورد روستاها در جریان بوده است.

با توجه به روند تحول شهر و روستا امکان ارزیابی دقیق‌تر ارتباط شهر و روستا، بستگی به نحوه تمایز شهر از روستا خواهد داشت.



از آنجا که ارتباط شهر و روستا، به علل تاریخی-ساختاری، توسعه چندانی نیافت. تحولات بعدی شهرها خاصه، تهران، تقریباً مستقل از بخش روستایی یا حتی ارتباط بین شهرهای کشور، به وقوع پیوست.

روستاهای کشور اکثراً با فروپاشی ساختاری مواجه بوده‌اند. رابطه شهر و روستا در ابعاد مختلف عقب مانده باقی ماند. شهرها هم کم و بیش منزوی و مستقل از یکدیگر، یا شاهد تغییراتی بودند و یا اینکه در رکود و انزوا بسر می‌بردند. در چنین وضعیتی، آرایش شهرها در فضای ملی و کیفیت ارتباط آنها با یکدیگر در قالب «شبکه» و «سیستم» شهرها وضعیت خاصی به خود گرفت. وضعیتی، که بدون بررسی و تجزیه و تحلیل همه جانبه آن، واقعاً تبیین کیفیت عملکرد شهرها، به خصوص کلان شهر تهران، تقریباً غیرممکن خواهد بود.

معماری و امنیت معماری در روستا:



واحدهای مسکونی خانواده‌های سنتی روستایی از یک سو تحت تأثیر اقلیم و شرایط محیط طبیعی است و از سوی دیگر با الگوی معیشت خانواده‌ها در ارتباط است.

به طور عمده خانواده‌های روستایی در ساخت مسکن از امکانات محیط پیرامون خود و مواد و مصالحی که در طبیعت وجود دارد، بهره می‌برند.

روستاییان مساکن دهکده‌های جنگلی در ساختن خانه‌ها بیشتر چوب به کار می‌برند. دیوارها، کف و سقف اتاق چوبی است. حتی پوشش بسیاری از واحدهای مسکونی مناطق جنگلی از قطعه‌های تخته به طول ۸۰ تا ۹۰ و عرض ۳۰ تا ۴۰ و قطر ۴ سانتی متر به نام لات تهیه می‌شود که پشت بام به شکل خاصی آن‌ها را روی هم سوار می‌کنند.



در گیلان- به ویژه ناحیه‌های جنگلی- استخوان بندی خانه‌های سنتی از جنس چوب و پوشش بام‌ها از مواد گیاهی (گالی) است. مصالح ساختمانی خانه‌های روستایی و سنتی را از محیط پیرامون و از نزدیکی بنای خانه به دست می‌آورند و برای تبدیل این مصالح و یک رشته اعمال پیچیده فنی کاری انجام نمی‌دهند. اغلب خانه‌ها را با پرچین‌هایی از جنس نی و شاخ و برگ درختان محصور می‌کنند.

در روستاهای مناطق کوهستانی سنگ و گل مصالح عمده ساختمان‌های سنتی را تشکیل می‌دهد. در دشت‌های مرکزی و سرزمین‌های حاشیه کویر، خانه‌ها خشت و گلی و با دیوارهای ضخیم ساخته می‌شود و اغلب به صورت سقف گنبدی (جنوبی) یا گهواره ای است تا گرمای محیط به درون اتاق نفوذ نکند. بر بالای بام بعضی از خانه‌ها بادگیرهایی جهت تهویه هوا ایجاد شده است.

سقف خانه‌های سنتی گنبدی شکل است و شعاع داخلی گنبدها از ۲ تا ۳ متر نوسان دارد.

به بالای هر گنبد روزه ای به منظور جریان هوا تعبیر شده است. مصالح عمده خانه‌های سنتی خشت و گل و چوب است ولی در بناهای جدید، آجر، سیمان، آهن و گچ به کار برده می‌شود و سقف آن‌ها صاف و مسطح است. خانه‌های نو ساخته روستایی با شرایط بومی منطبق نیست و رو بنای آن‌ها الگوهای سنتی و قدیمی متناسب با شرایط زندگی خانواده رعایت نمی‌شود. از این جهت خانه‌های جدید فاقد تسهیلات و تجهیزات لازم برای خانواده‌های روستایی است و عملاً آن‌ها را با دشواری مواجه می‌کند.

در مناطق تقریباً خشک ایران گاه ساختمان‌های بلندی با حجم زیاد دیده می‌شود که در وسط کف آن حوض بزرگی وجود دارد. این نوع بناها که به "حوض خانه" معروف است هوای خنک دارد و تابستان‌ها برای حفظ بدن از گرمای طاقت فرسای محیط مورد استفاده قرار می‌گیرد.

میان کارهای مختلف کشاورزان از لحاظ نوع مصالح ساختمانی قابل ملاحظه ای وجود دارد. خانواده‌های کشاورز و روستایی دو بنای واحدهای مسکونی خود از آجر و تیر آهن و چوب استفاده می‌کنند و خانه‌هایشان از تسهیلات و تجهیزات کافی برخوردار است. اما خانواده‌های دهقانان کم درآمد سقف



خانه‌هایشان تسهیلات و تجهیزات کافی برخوردار است.

انواع خانه های روستایی: ۱. خانه های حصیری (کپری)



حدود ۷۰٪ خانه‌ها حصیری بوده است که در محل «کپر» نامیده می‌شود. این خانه‌ها بسیار ساده است. دیوارها و سقف آن از شاخ و برگ و یاف خرما (سوند-Sevend) ساخته شده و کف آن گلی است. خانه‌های حصیری کم دوام است و اهالی برای رفع این نقص دیوارهای کپر را تا ارتفاعی با گل می‌پوشانند. تا تصادفاً آن دو برابر بادهای شدید و طوفان زیاد تر شود و بتواند دوام بیاورد. کپر در واقع به منزله سایبانی است که مردم را از حرارت سوزان خورشید محفوظ می‌دارد. در تابستان به هنگام وزش خشک و سوزان روستاییان دیوار و سقف کپر را با آب خیس می‌کنند تا باد مرطوب شود و از گرمای درون کپر بکاهد.

۲. خانه های خشت و گل

بیشتر این خانه‌ها به کسانی تعلق دارد که از امکانات مالی بیشتری برخوردارند پی خانه‌ها از سنگ و دیوارها از خشت و گل ساخته شده و سقف آن صاف و هموار است.

۳. خانه های مخلوط

خانه‌هایی است که از ساختمان خشت و گلی و خانه‌های کپری متصل به هم تشکیل می‌شود. این نوع واحدهای مسکونی اغلب با یک در به کپر ارتباط دارد و برای ورود به اتاق باید از داخل کپر عبور کرد. خانواده‌های روستایی معمولاً در ساختن خانه‌های خشت و گلی از بناهای محلی استفاده کنند. خشت‌ها را خود می‌سازند. در سقف خانه‌ها از چوب گنا شاهی و نخل استفاده می‌کنند و روی آن را با گل می‌پوشانند در ساختمان‌های جدید سیمان و آجر و آهن هم به کار برده می‌شود.

میزان تراکم جمعیت در مسکن در جامعه روستایی ایران بسیار بالاست و خانواده‌های روستایی به طور عمده دچار کمبود و ضیق مسکن هستند. مصالح مسکن در میان خانواده‌های روستایی قشرهای مختلف اجتماعی نیز متفاوت است.



امنیت معماری در روستا:

ساکنان اولیه فلات ایران پس از سکونت در میان ارتفاعات و غارها به سوی دشت‌های هموار و مسطح روی آوردند و به ساخت سکونتگاه‌های ابتدایی با ساختمانی بدوی پرداختند. خانه‌های اولیه، معماری بسیار ساده‌ای با استفاده از شاخ و برگ درختان و گل داشتند که می‌توانست امنیت و رفاه نسبی انسان‌ها را تأمین کند. با گذشت زمان و افزایش دانش و تکنولوژی ساخت و همچنین مقابله با طبیعت پیرامون، سکونت در نقاط مختلف جنبه دائمی تری پیدا می‌کند و مردم در مجاورت خانه‌های خود به کشاورزی و دامپروری می‌پردازند.

گسترده‌گی و پراکنده‌گی سکونتگاه‌های روستایی در سزمین پهناور ایران و همچنین تهدید در برابر حملات و آسیب‌های احتمالی موجب به وجود آمدن تأملی عمیق بین دو مقوله امنیت و معماری در برخی مناطق شده است. امنیت و نظام تدافعی و شیوه مقابله با هجوم بیگانگان، می‌تواند تأثیر زیادی در شکل‌گسترش سکونتگاه و تغییرات به وجود آمده در بافت کالبدی آنها داشته باشد.

در اغلب روستاهای کویری و دشتی از نظر معماری، دو گونه سامانه تدافعی به کار برده شده است؛ نوع اول سکونتگاه‌هایی را شامل می‌شود که دارای دژ، حصارهای تو در تو و برج و بارو در اطراف روستا هستند و دستیابی به واحدهای مسکونی و ابنیه دیگر از طریق دروازه‌ها صورت می‌پذیرد. اغلب در این سکونتگاه‌ها فضاهای عمومی و مذهبی در داخل حصار تعبیه می‌شود.

نوع دوم روستاهای دارای قلعه هستند که خود به دو گونه تقسیم می‌شوند؛ گونه اول روستاهای قلعه‌ای هستند؛ یعنی مردم همیشه در داخل قلعه زندگی می‌کنند و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی آنها در بیرون قلعه قرار می‌گیرد. از این نمونه در مسیر راه‌های ارتباطی پرتردد که احتمال تهدید از سوی راهزنان





بیشتر است به وفور دیده می شود؛ گونه دوم روستاهایی هستند که قلعه ای جداگانه در محلی مناسب و نزدیک به خانه های مسکونی و زمین های زراعی دارند و تنها در هنگام احساس خطر و تهدید از سوی دشمنان به داخل آن پناه می برند و مدتی را در آن سپری می کنند. معمولاً هر خانوار روستا در این قلعه اتاقی دارد و مقداری آذوقه را در آن انبار می کند. در این قلعه ها معمولاً فضاهای ضروری ساخته می شود و مسأله تأمین آب مصرفی در آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

دهاتی که در معرض هجوم اقوام صحرائشین و یغماگر قرار گرفته اند، به ضرورت امر دفاع، شکل تمرکز و مجتمع به خود گرفته اند. ساختن دهات قلعه ای نیز معلول همین ناامنی های اجتماعی به شمار می رود. در آن قسمت از نواحی که بر سر راه های شهرستان های مهم واقع شده و در مسیر کشور گشایان قرار گرفته اند و بارها در آنها جنگ روی داده است، احتیاطات معمولی ایجاب می کرده است که روستاهای واقع در دشت یا حصار داشته باشند و یا دست کم دارای ناحیه مرکزی یا محوطه محصوره که به هنگام ضرورت، مردم با چارپایان خود به آن جا پناه ببرند.

در پاره ای از روستاها خانه های روستاییان در درون قلعه واقع است و دیوارهای بلند گلی آن را از اطراف احاطه می کند و چهار برج استوانه ای بلند تر از دیوار، در چهار گوشه آن بنا شده است که نگهبانان قلعه، شب ها و زمانی که بیم حمله اقوام بیگانه وجود داشت، در آن جای می گرفتند تا اهالی را از چگونگی هجوم دشمن با خبر سازند. قلعه ها معمولاً با یک دروازه بزرگ به بیرون ارتباط پیدا می کند و بر بالای دروازه اتاقی است که جایگاه دروازه بان قلعه بوده است. شب ها دروازه را می بستند و پشت آن سنگ بزرگی می نهادند که کسی نتواند آن را باز کند.

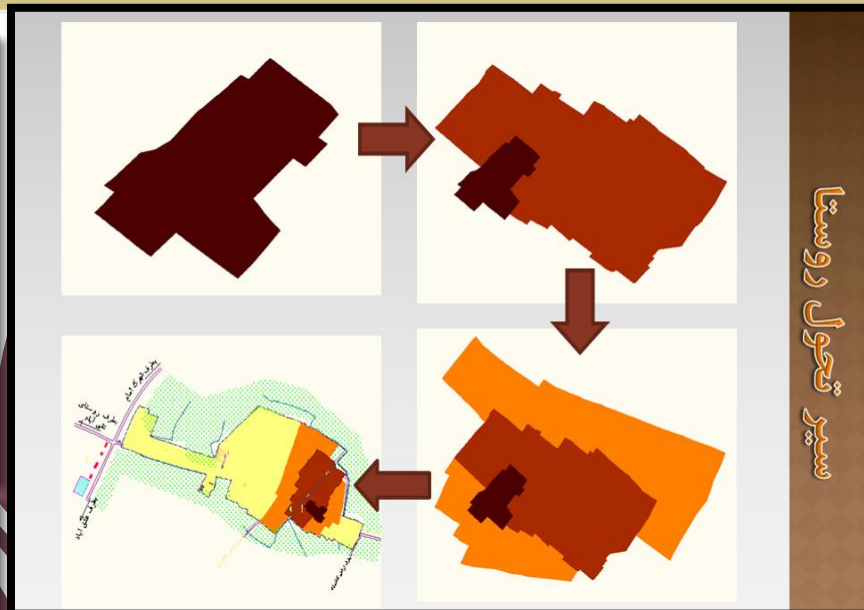
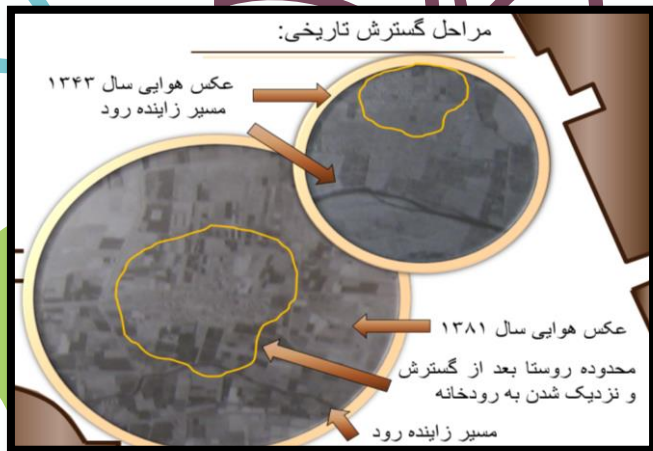
روستاهای قلعه ای بیشتر در مناطق جلگه ای قرار دارند. در کوهستان ها نیاز به دیه های محصور کمتر احساس می شود، زیرا روستاها اغلب دور از اقوام مهاجم قرار دارند و یا اصولاً ده به گونه ای است که امکان تجاوز و حمله به از طرف دشمن وجود ندارد.

شیوه قلعه سازی هر چند در اصل با عامل ناامنی ارتباط داشت در عین حال می بینیم که در دوره هایی که امنیت در روستاها برقرار شده و ناامنی به کلی از میان رفته باز این شیوه معماری منسوخ نشده است. می توان گفت که ساختن ده به گونه قلعه، هنگامی که قلعه کارکرد اصلی خود را از دست داده است، نوعی تأخر تغییر زمینه های فرهنگی و ادامه سبک معماری سنتی و قدیمی است. علاوه بر آن در مناطقی که بادهای خشک و طوفان های شدید همراه با گرد و غبار سبب خرابی شود و خسارت هایی برای اهالی به بار آورد، ممکن است قلعه سازی هم چنان معمول باشد و روستاییان برای این که از خط طوفان ها در امان باشند خانه های خود را درون قلعه و محصور به دیوارهای بلند احداث می کنند.

مطالعه و شناخت ویژگی های روستا

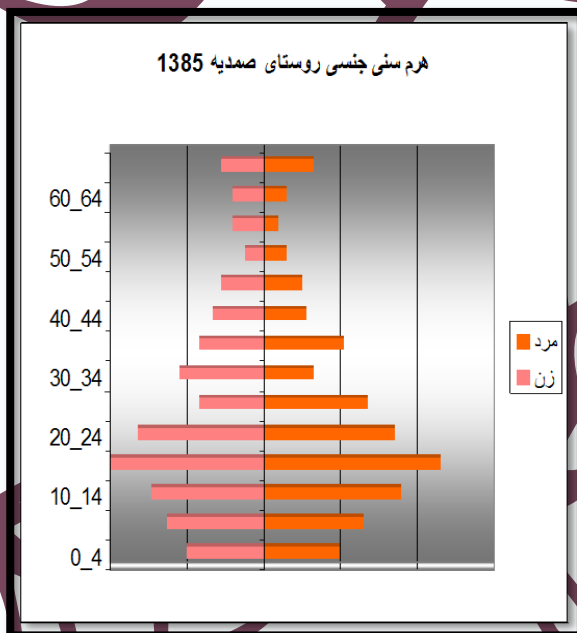
شناخت ویژگی‌های تاریخی - فرهنگی

- ❖ تاریخچه روستا و شکل گیری آن
- ❖ نحوه استقرار و مراحل گسترش تاریخی و روستایی
- ❖ وجه تسمیه و علل پیدایش
- ❖ سیر تحول تاریخی
- ❖ نوع مصالح
- ❖ معرفی بناهای تاریخی و اماکن فرهنگی
- ❖ مطالعات فرهنگی (آداب و رسوم، زبان، اعتقادات و باورهای مردمی و...)



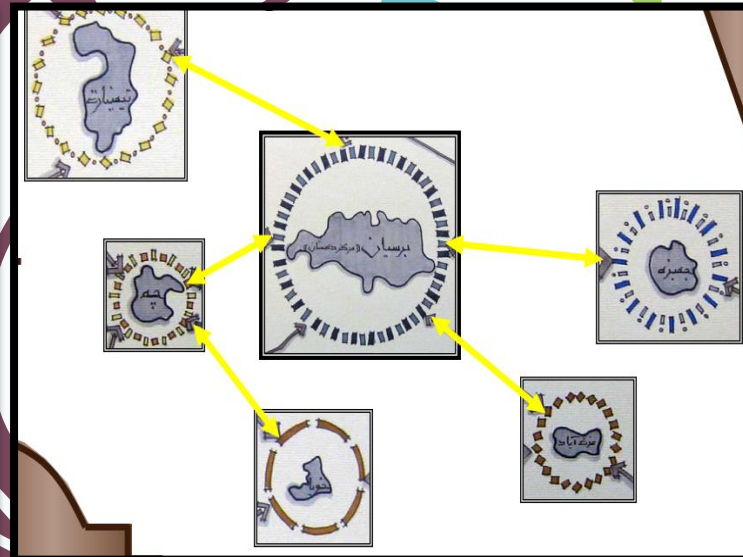
- ❖ نرخ رشد جمعیت
- ❖ دلایل افزایش یا کاهش نرخ رشد
- ❖ تعداد و بعد خانوار
- ❖ هرم سنی و جنسی
- ❖ وضعیت سواد
- ❖ مهاجرت
- ❖ امکانات رفاهی و تاسیسات زیربنایی

شناخت ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی

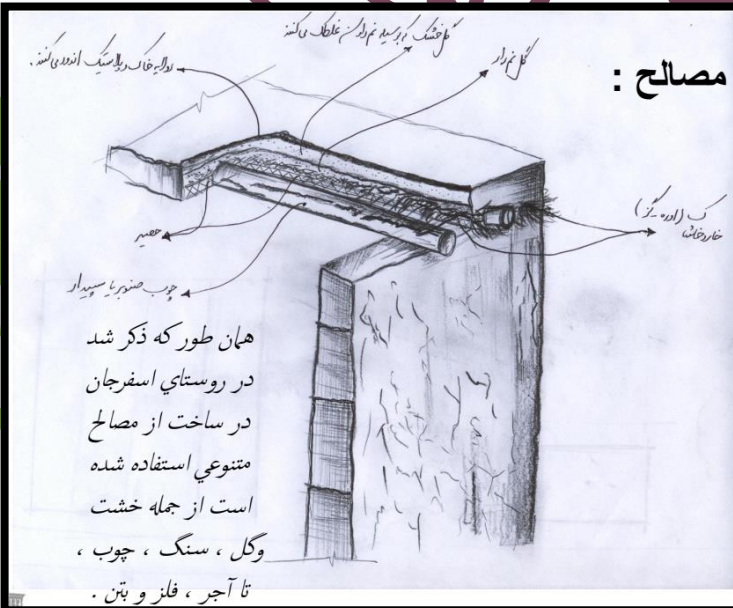


شناخت ویژگی‌های اقتصادی

- ❖ موزه نفوذ اقتصادی
- ❖ وابستگی یا عدم وابستگی روستا
- ❖ بررسی مشاغل قدیم و جدید و درصد آنها
- ❖ بررسی امکانات موجود
- ❖ درصد بیکاری
- ❖ محصولات موجود در روستا
- ❖ مصالح قدیم و جدید

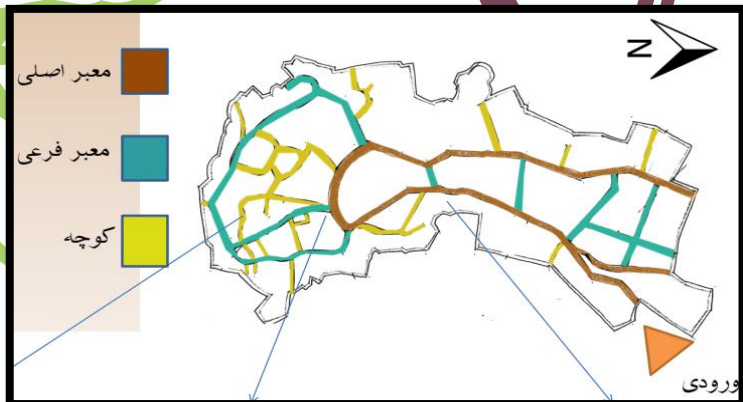
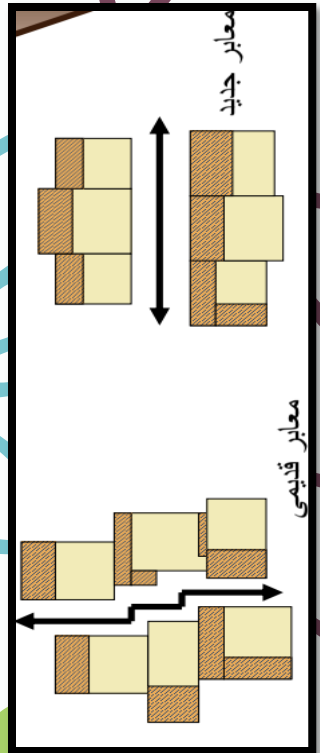


مصالح:



شناخت ویژگیهای روستا

- ❖ کاربری اراضی موجود (روستا) (مسکونی، اداری، تجاری و...)
- ❖ بررسی سرانه های کاربری های موجود
- ❖ نظام محله بندی
- ❖ کیفیت، قدمت و مالکیت ابنیه
- ❖ نحوه قرارگیری ساختمان ها نسبت به یکدیگر
- ❖ درجه بندی و سلسله مراتب محابر
- ❖ شیب محابر و نحوه جمع آوری آب های سطحی
- ❖ ابنیه با ارزش و تحلیل ابنیه عمومی
- ❖ امکانات آسایشی و رفاهی و...



برش از روستا



مزار



بافت قدیم

بافت جدید

باغ

زمین زراعی



جاده

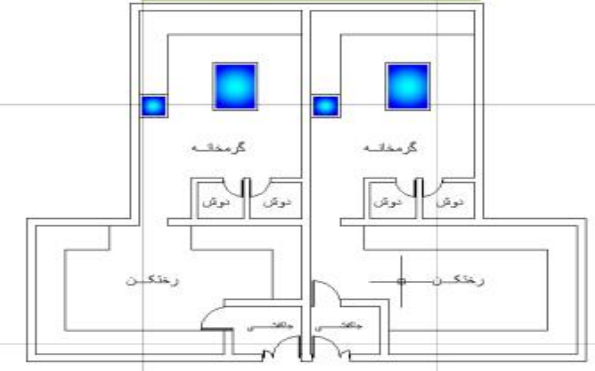


حمام عمومی

اس ل ا م آ ب ا د

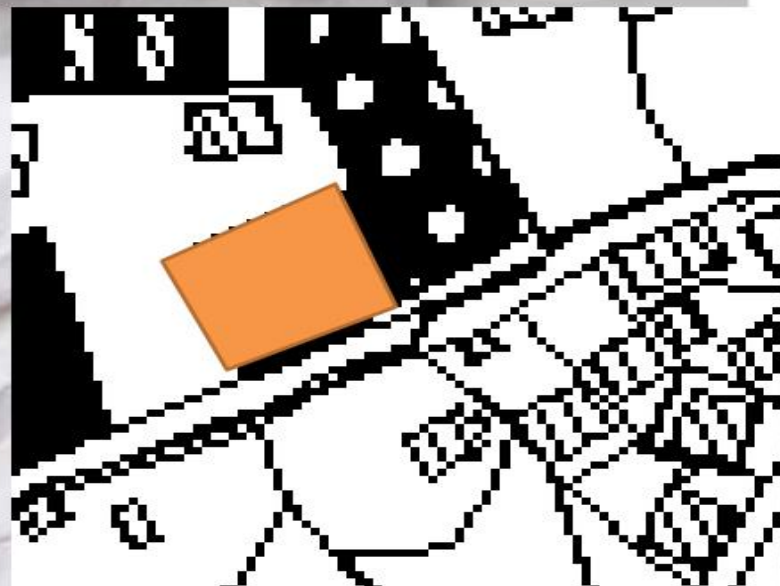
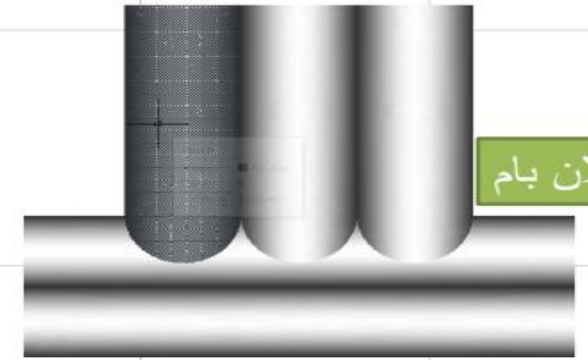


پلان طبقه هم کف



علی رغم اینکه پوشش بام اکثر بناهای این روستا سطوح شیب دارند پوشش بام حمام این روستا طاق اهنگ است و این مورد معماری این بنا را از معماری سایر بناهای این روستا متمایز میکند .

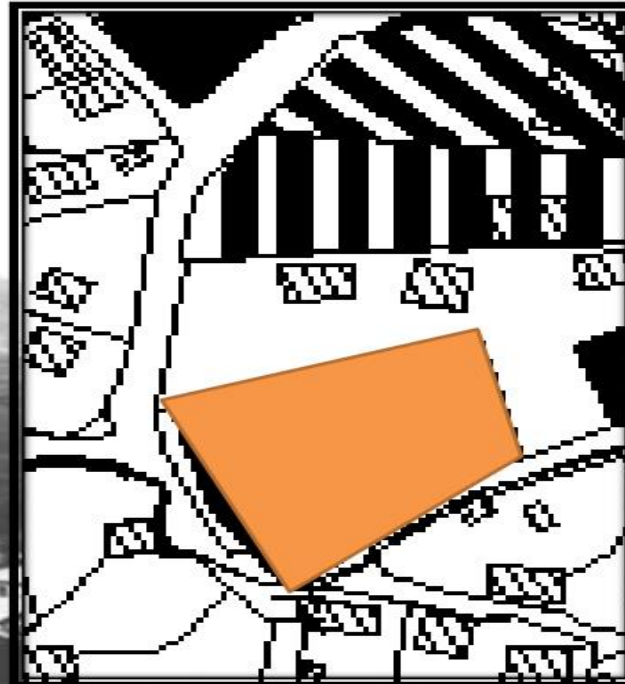
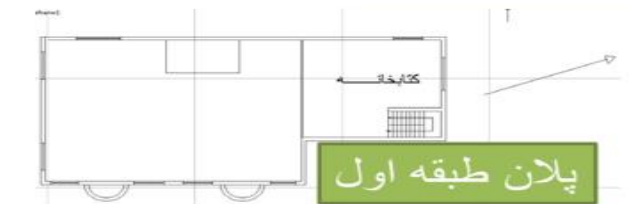
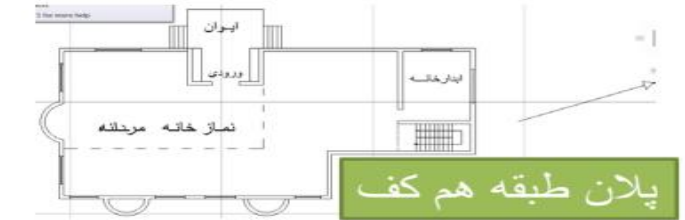
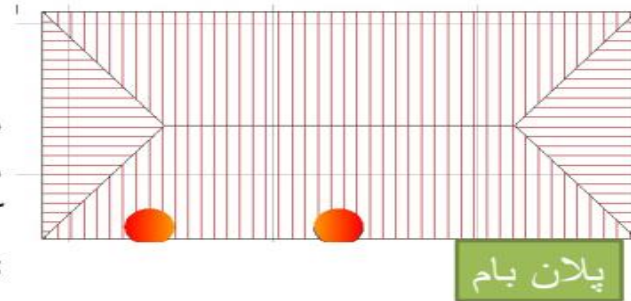
پلان بام



تحلیل مسجد

مسجد روستای اسلام آباد در سه اشکوب ساخته شده که اشکوب اول به نمازخانه ی مردانه و اشکوب دوم به نماز خانه زنانه و اشکوب سوم به کتابخانه اختصاص دارد، نقطه ی عطف این بنا دو مناره ی آن است که در قجری می باشد

مناره ها اصلی شاخصه ی مسجد می باشند

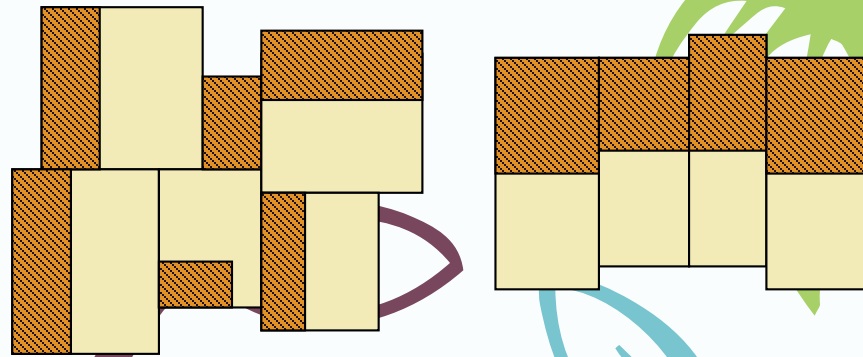


شناخت معماری

- ❖ بررسی پیدمان ابنیه
- ❖ برداشت بناهای روستا و تحلیل ویژگی های معماری
- ❖ معرفی سازه و جزئیات معماری، نوع و ساختار سقف



سازه ی سقف

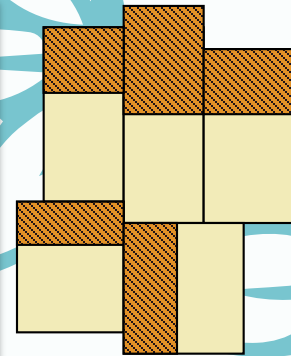


سقف تیر چوبی

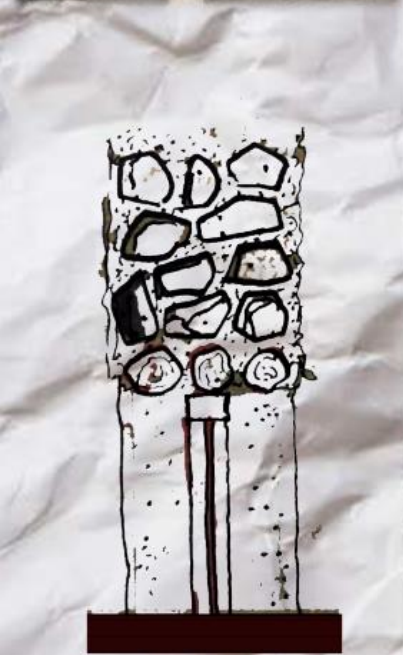


سقف طاق چشمه ای

خشت و گار نما



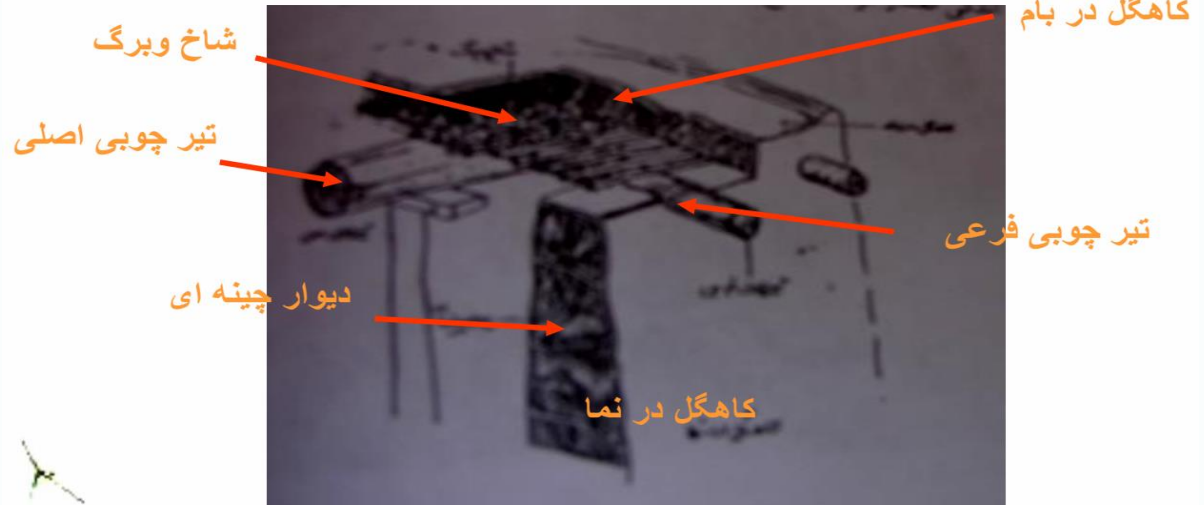
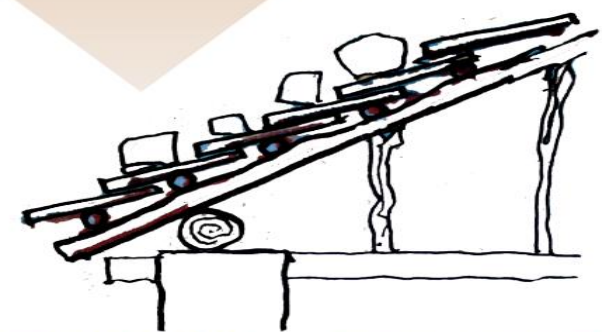
تحلیل جزئیات اجرایی



جزئیات دیوار چوبی (کلمه نورا)
 با سقف سیدار لته پرش

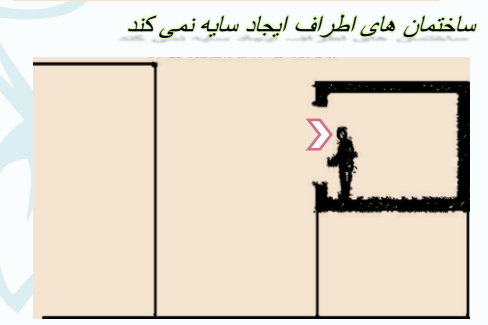
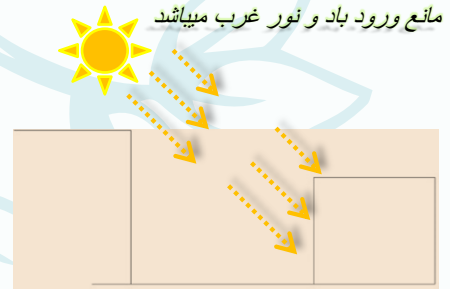
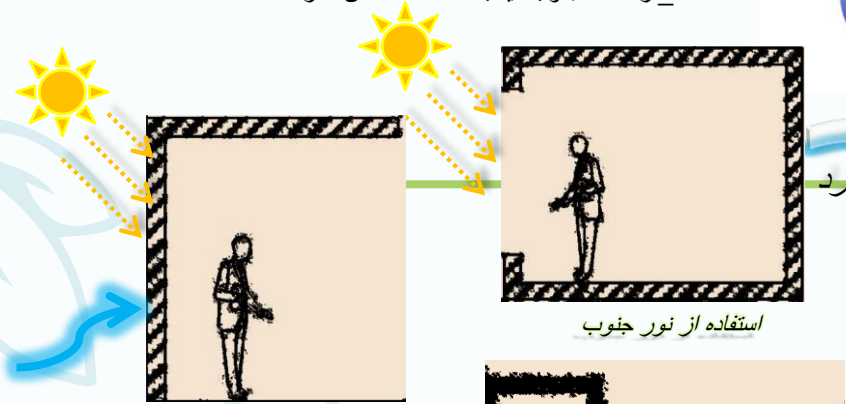


تحلیل جزئیات اجرایی

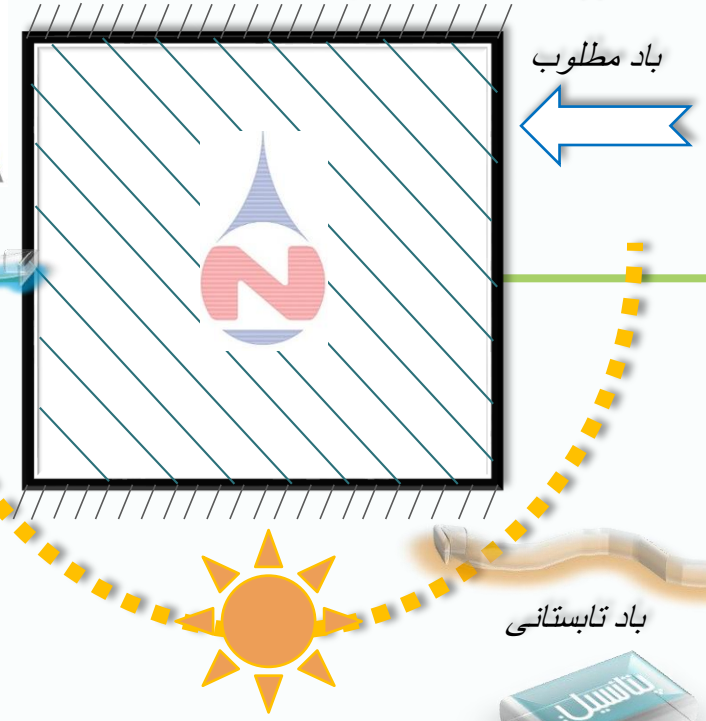
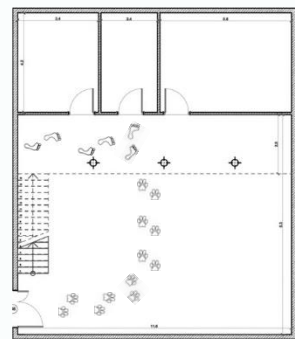
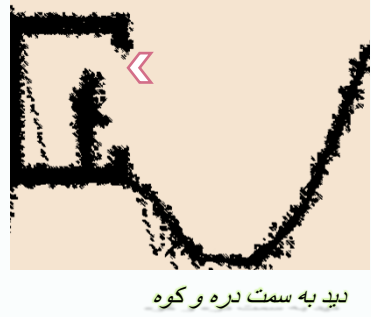


آناکیز سایت

- نور گیری:**
_ از نور شرق برای پذیرایی استفاده نشده است.
- بادگیری:**
_ مانع از ورود باد گرم تابستانی نشده است
- دیدها:**
_ از سمت جنوب دید به سمت ساختمان اطراف است.

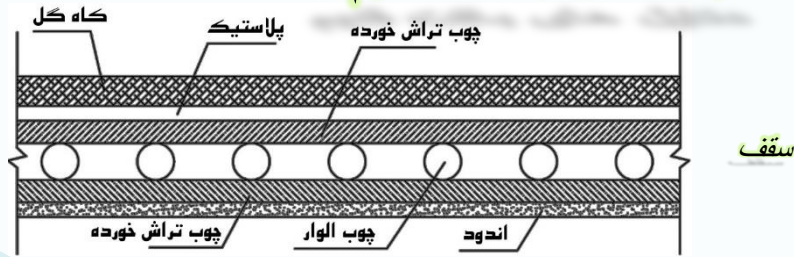


دید از سمت جنوب به سمت ساختمان

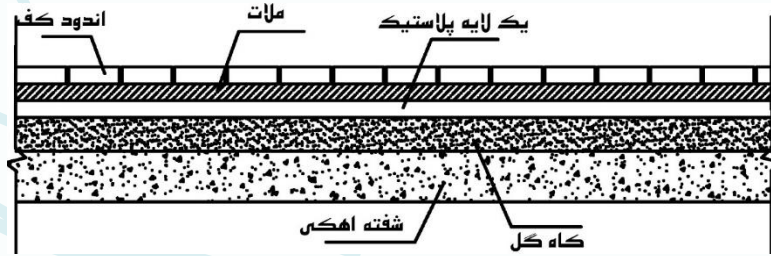


- نور گیری:**
_ نورگیری ساختمان از طریق نور جنوب تامین می شود. این نور مناسب فضا است
_ نور نامناسب غرب به داخل ساختمان نفوذی ندارد
_ با قرار گرفتن زیر بنادر قسمت شمالی مانع از افتادن سایه ناشی از ساختمان ها بر روی سایت می شود.
- بادگیری:**
_ نحوه قرار گیری سایت به گونه است که باد غالب و باد سرد به داخل ساختمان نفوذ نمی کند.
- دیدها:**
_ از سمت شرق دید به سمت دره و کوه دارد.
- راه های ارتباطی:**
_ راه دسترسی دام و انسان جدا در نظر گرفته شده است.

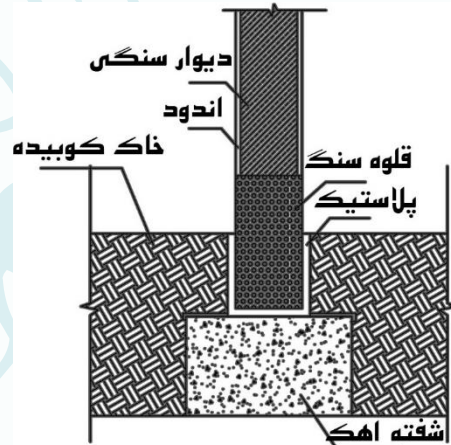
دتایل های بافت قدیم



سقف

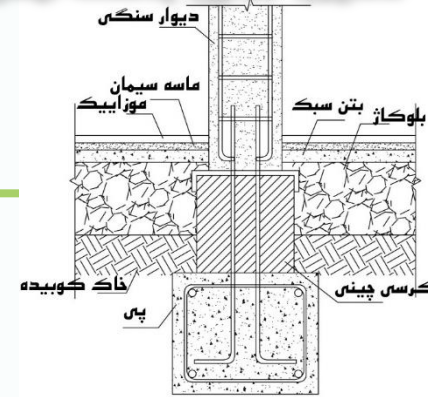


کف

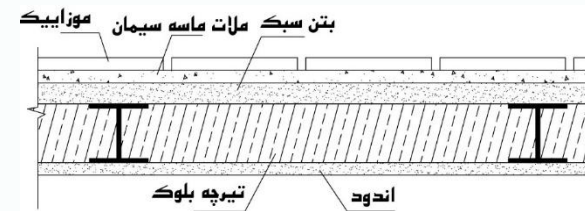


دیوار

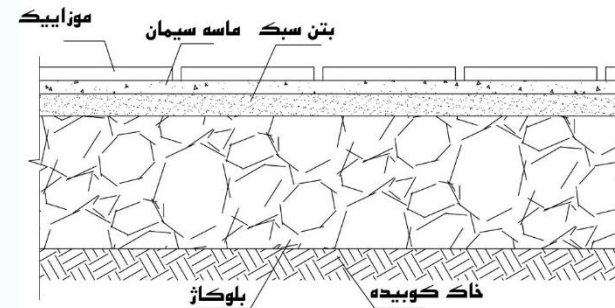
دتایل های بافت جدید



دیوار



سقف



کف

آناگیز سایت



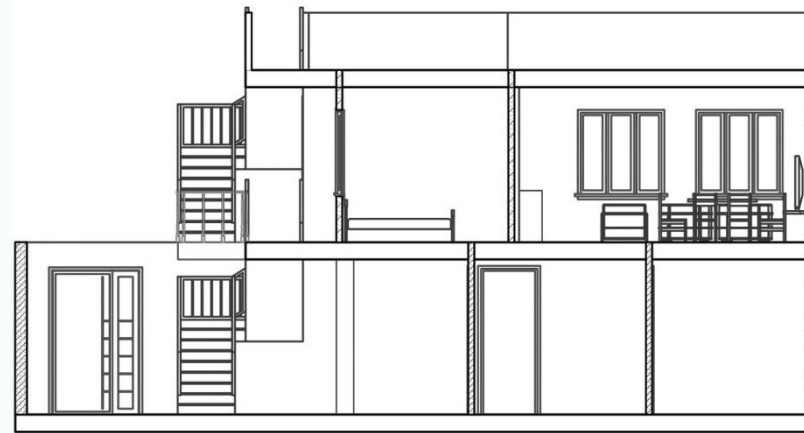
برش A_A



نمای جنوبی



برش B_B



برش C_C